

## زبان

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾

### - نعمت الهی

۱. «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَمَهُ الْبَيَان»<sup>۱</sup>؛ انسان را آفرید، و به او «بیان» را آموخت.

### تفسیر

انسان یکی از عجیب‌ترین مخلوقات الهی یا خود عجیب‌ترین مخلوقات الهی است. و مراد به بیان، کلام کاشف از درون آدمی است که آن هم از عجیب‌ترین نعمت‌های الهی است. تعلیم آن به انسان از عظیم‌ترین عنایت الهی به او است. مراد به تعلیم بیان، تعلیم لغات نیست بلکه مراد این است که به انسان قدرت وضع لغت به ازاء معانی مختلف داد بگونه‌ای که وقتی لغت را بکار می‌برد گویا معنی را به شنونده القاء می‌کند.<sup>۲</sup>

### - ضبط سخن

۲. «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»<sup>۳</sup>؛ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد، مگر این که همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است.

### تفسیر

کلمه "لقط" به معنای پرت کردن است و اگر سخن گفتن را لفظ نامیده‌اند، به نوعی

۱. الرحمن، آیه ۴۰.

۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۹۵.(با تلخیص).

۳. ق، آیه ۱۸.

تشیه است. کلمه "رقیب" به معنای محافظ و کلمه "عتید" به معنای کسی است که فراهم کننده مقدمات آن ضبط و حفظ است، خلاصه یکی مقدمات را برای دیگری فراهم می‌کند تا او از نتیجه کار وی آگاه شود.

این آیه شریفه در مورد مراقبت دو فرشته سخن گفته و راجع به تکلم انسان است.<sup>۱</sup>

در این آیه روی خصوص الفاظ و سخنان او تکیه می‌کند، این به خاطر اهمیت فوق العاده و نقش مؤثری است که گفتار، در زندگی انسان‌ها دارد، تا آن‌جا که گاهی یک جمله مسیر اجتماعی را به سوی خیر یا شر تغییر می‌دهد و هم به خاطر این که بسیاری از مردم سخنان خود را جزء اعمال خویش نمی‌دانند و خود را در سخن گفتن آزاد می‌بینند، در حالی که مؤثرترین و خطروناک‌ترین اعمال آدمی، همان سخنان او است.

غالب مفسران معتقدند که "رقیب" و "عتید" دو فرشته‌اند. فرشته سمت راست نامش "رقیب" و فرشته سمت چپ نامش "عتید" است.<sup>۲</sup>

### - زبان و عیب‌پوشی

۳. ﴿لَا يَحُبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمٌ﴾؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی‌ها (ی دیگران) را اظهار کند، مگر آن‌کس که مورد ستم واقع شده باشد.

### تفسیر

کلمه "سوءِ منَ القولِ" رشت از سخن، به معنای هر سخنی است که اگر درباره هر کسی گفته شود، ناراحت می‌گردد، مثل نفرین و فحش، چه فحشی که مشتمل بر بدی‌ها و عیب‌های طرف باشد و چه فحشی که در آن بدی‌هایی به دروغ به وی نسبت داده شود، همه این‌ها سخنانی است که خدای تعالی جهر به آن را و به عبارت دیگر، اظهار آن را دوست نمی‌دارد.

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۵۲۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. نساء، آیه ۱۴۸.

جمله "إِلَّا مَنْ ظُلِمَ" استثنای منقطع است و معنایش با معنای کلمه "لكن" یکی است، پس در حقیقت فرموده: «خدا دوست نمی‌دارد سخن زشت با صدای بلند گفتن را، لیکن کسی که مورد ظلم شخصی یا اشخاصی قرار گرفته، می‌تواند در مورد خصوص آن شخص و یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفت، سخن زشت و با صدای بلند بگوید» و همین خود قرینه است بر این که چنین کسی نمی‌تواند هر چه از دهانش بیرون بیاید به او نسبت دهد و حتی آیه شریقه دلالت ندارد بر این که می‌تواند بدی‌های دیگر او را که ربطی به ظلمش ندارد به زبان بیاورد، بلکه تنها می‌تواند با صدای بلند ظلم کردنش را بگوید و صفات بدی از او را به زبان آورد که ارتباط با ظلم او دارد.

تفسرین هر چند که در تفسیر کلمه "سوء" اختلاف کرده‌اند که به چه معنا است، بعضی گفته‌اند: نفرین است و بعضی دیگر گفته‌اند: نام بردن از خصوص ظلم او است و از این قبیل معانی دیگر، جز این که همه این معانی مشمول اطلاق آیه شریقه می‌باشد.<sup>۱</sup>

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ القَوْلِ»؛ زیرا همان‌گونه که خداوند "ستار العیوب" است دوست ندارد که افراد بشر پرده‌دری کنند، عیوب مردم را فاش سازند و آبروی آن‌ها را برند - مضارف بر این می‌دانیم هر انسانی معمولاً نقاط ضعف پنهانی دارد که اگر بنا شود این عیوب اظهار گردد، یک روح بدینی عجیب بر سراسر جامعه سایه می‌افکند و همکاری آن‌ها را با یکدیگر مشکل می‌سازد، بنابراین به خاطر استحکام پیوندهای اجتماعی و رعایت جهات انسانی، لازم است بدون در نظر گرفتن یک هدف صحیح پرده‌دری نشود. سپس به بعضی از امور که مجوز این‌گونه بدگوئی‌ها و پرده‌دری‌ها می‌شود اشاره کرده و می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ ظُلِمَ؛ مَنْ كَسِيَ كَه مَظْلُومَ وَاقِعَ شَدَه». <sup>۲</sup>

## پیام‌ها

۱- زبان، نعمت الهی است در غیر مورد رضایت الهی بکار نرود.

۱. ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۲۰۲-۲۰۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۴.

## ۱۱۰ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

- ۲- قانون کلی و اصلی، حرمت افشاگری و بیان عیوب مردم است، مگر در موارد خاص: «**لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهَرَ بِالسُّوءِ**».
- ۳- افشاری عیوب مردم، به هر نحو باشد حرام است؛ شعر، طنز، تصريح، تلویح، حکایت، شکایت و ....
- ۴- غیبت مظلوم از ظالم جایز است: «**الْجَهَرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ**».
- ۵- تنها مظلوم، اجازه غیبت از ظالم را دارد، آن هم در مورد ظلم او، نه عیوب دیگرش.<sup>۱</sup>

### آیات مرقبط

#### - زبان و مسئولیت

۴. «**سَنَكُتبُ مَا يَقُولُ وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا**»<sup>۲</sup>؛ ما به زودی آنچه را می‌گوید، می‌نویسیم و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت.

#### - گواهی زبان در قیامت

۵. «**يَوْمَ تَشَهَّدُ عَلَيْهِمُ الْسِّتْنُونُ**»<sup>۳</sup>؛ در آن روز زبان‌ها بر ضد آن‌ها گواهی می‌دهد.

#### - عامل تبلیغ

۶. «**وَأَخْلُلُ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَقْهُوا قَوْلِي**»<sup>۴</sup>؛ و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند.

#### - نفاق

۷. «**يَقُولُونَ بِالْسِّتْنِينِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ**»<sup>۵</sup>؛ آن‌ها به زبان خود چیزی می‌گویند که در

۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. مریم، آیه ۷۹.

۳. نور، آیه ۲۴.

۴. طه، آیات ۲۸ - ۲۷.

۵. فتح، آیه ۱۱.

دل ندارند.

### - شناخت از روی گفتار

۷. ﴿وَلَتَعْرِفُنَّهُمْ فِي لَهْنِ الْقَوْلِ﴾<sup>۱</sup>؛ تو آن‌ها را از شیوه سخشنان خواهی شناخت.

### ارجاعات قرآنی

الف) زبان و عمل: صف، آیه ۲؛ بقره، آیه ۴۴.

ب) درست حرف زدن: بقره، آیات ۱۰۴ و ۸۳؛ نساء، آیه ۵؛ اسراء، آیه ۵۳؛ ص، آیه ۸۴.

ج) گناهان زبان: ممتحنه، آیه ۲؛ آل عمران، آیه ۷۸؛ نحل، آیه ۶۲؛ نور، آیه ۱۵؛

مومنون، آیه ۶۸؛ مائدہ، آیه ۶۳؛ نساء، آیات ۱۰۸ و ۳۷؛ بقره، آیات ۸۰ و ۸؛ نور، آیه ۲۱.

### روايات

#### - نجات

۱. ﴿قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ﴾

نجاة المؤمن في حفظ لسانه<sup>۲</sup>؛ نجات مومن در نگهداشتن زبانش است.

#### - ارزش سکوت

۲. قال الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أُبُوبِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمُحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ<sup>۳</sup>؛ سکوت، دری از درهای حکمت است، همانا سکوت، محبت می‌آورد و راهنمای هر خبری است.

۱. محمد، آیه ۳۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۱۳.

## روایات مرتبط

### - کم و مفید

۳. قال الباقر علیه السلام:

إِنَّمَا شَيْعَتُنَا الْخُرُسُ؛ شَيْعَيْانَ مَا بَيْ زَبَانِدَ (کم‌گوی و گزیده گویند).

### - سرّ سلامت

۴. قال الصادق علیه السلام:

يَا سَالِمُ احْفَظْ لِسَانَكَ تَسْلِمٌ؛ ای سالم! (غلام امام) زبانت را نگه دار تا سالم  
بمانی.

### - عزت

۵. قال الكاظم علیه السلام:

احْفَظْ لِسَانَكَ تَعِزَّ؛ زبانت را نگه دار تا عزیز باشی.

### - کلام خیر

۶. قال رسول الله علیہ السلام:

فاصمت لسانک الا من خیرٌ؛ زبانت را جز از خیر، خاموش دار.

## داستان‌ها

### ۱- مانع باران

سالی در بنی اسرائیل قحطی شد، حضرت موسی علیه السلام چند بار نماز استسقاء خواند و طلب باران کرد، اما خبری از باران نشد. خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد:

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۴.

من به خاطر آن که یک نفر در میان شماست و سخنچین است و اصرار بر نمامی دارد،  
دعای شما را مستجاب نمی‌کنم.

عرض کرد: خدایا آن شخص کیست؟

فرمود: ای موسی! شما را از غیبت نهی می‌کنم، حال خودم نمامی کنم؟ بگو همه توبه  
نمایند تا دعايشان مستجاب شود.

همه توبه کردند و خداوند باران رحمت را بر آن‌ها نازل کرد.<sup>۱</sup>

## ۲- عکس العمل امام علیه السلام

عمرو بن نعمان جعفی نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام را دوستی بود که هرجا حضرت  
می‌رفت، از او جدا نمی‌شد. وقتی حضرت به محلی به نام حذائین می‌رفتند او و غلامش  
دنبال حضرت می‌آمدند. آن شخص دید غلامش دنبالش نیست. تا سه بار توجه کرد و او را  
نديد. مرتبه چهارم او را ديد و گفت: ای پسر زن بدکار! کجا بودی؟

امام با شنیدن اين کلمه دست مبارکش را بر پیشانی زد و فرمود: سبحان الله، به مادرش  
اسناد بد دادی، من تو را باورع می‌پنداشتم، اکنون می‌بینم ورعی نداری.

گفت: فدایت شوم، مادرش سندیه و مشرک است (مانعی از این اسناد ندارد).

فرمود: آیا نمی‌دانی که هر امتی را نکاحی هست، از من دور شو.

راوى حدیث گوید: دیگر او را ندیدم با حضرت راه برود، تا این که مردن بین ایشان  
جدایی افکند.<sup>۲</sup>

## ۳- ما لا یعنی ...

جوانی با دست پیغمبر اکرم علیه السلام به خاک سپرده شد، یعنی حضرت در غسل، کفن و  
دفنش شرکت نمودند. بعد از آن که او را در قبر گذاشتند و روی قبر را پوشاندند، مادرش  
سر قبر آمد و گفت: «پسرم! برایت خیلی ناراحت بودم، اما حال دیدم به دست پیغمبر

۱. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۷

۲. کیفر کردار، ج ۱، ص ۴۸۲؛ تنبیه الخواطر، ص ۵۲۶

## ۱۱۴ / ره‌توشه راهیان نور(پیام‌های قرآنی)

اکرم ﷺ به حاک سپرده شدی ناراحت نیستم، می‌دانم که سعادتمندی!». پیغمبر اکرم ﷺ چیزی نگفتند.

مادرش رفت، بعد فرمودند: قبر چنان فشاری به او داد که استخوان‌های سینه‌اش در هم شکسته شد.

گفتند: یا رسول الله، جوان خوب و آدم رو به راهی بود.

فرمود: بلی! اما ما لا یعنی، زیاد داشت.

ما لا یعنی؛ این است که آدم حرفی بزند که نه نتیجه دنیایی داشته باشد و نه آخرتی!  
این گونه حرف‌ها، اول مصیتیش فشار قبر است، ولو آدم خوب و بهشتی باشد.

## اشعار

در سخن گفتن بباید چون پیاز	بوی حرص و بوی کبر و بوی آز
در سخن آید اثر آن پدید	هر چه به دل هست ز پاک و پلید
چون تویی گویا، چه گوییم مر تو را	ای زبان! تو بس زیانی مر مرا
چند از این آتش در این خرمن زنی	ای زبان! هم آتشی، هم خرمنی
بسی به ز گفتار ناسودمند	زبان بند کردن به صدقید و بند